

بیانات در دیدار رئیس و مسئولان عالی قوه قضائیه و رؤسای دادگستری‌های سراسر کشور - 25 / تیر / 1404

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم المصطفی محمد و علی آله الاطیبین
الاطهرین المنتجبین سیما بقیة الله فی الارضین (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، و امیدواریم این جلسه اگرچه به دلایل مشخص با تأخیر انجام شد، ولیکن ان شاء الله جلسه‌ی مفید و مؤثری، هم برای قوه‌ی قضائیه و هم برای کشور بوده باشد؛ ان شاء الله. و تشکر میکنیم از یکایک عناصری که در قوه‌ی قضائیه مشغول کار هستند، [مشغول] تلاش هستند؛ از رئیس محترم قوه تا بقیه‌ی عناصر فعال در سراسر قوه.

آنچه جناب آقای محسنی به عنوان اقدامات انجام گرفته بیان کردند، البته خیلی خرسندکننده و خوب است. توصیه‌ی من این است که همیشه در کنار اقداماتی که انجام گرفته، اقداماتی که انجام نگرفته و باید انجام میگرفت را ملاحظه کنید؛ یعنی یک تناسبی بین اینها همیشه برقرار کنید. گاهی انسان صد مورد کار خوب انجام داده و خوشحال است از اینکه صد کار خوب انجام گرفته؛ وقتی دقت میکند، میبیند دویست کار خوب باید انجام میداد که آن دویست کار را انجام نداده، این خوشحالی یک مقداری کم میشود. البته من به هیچ وجه ادعا نمیکنم که وضع در سال گذشته در قوه‌ی قضائیه این بوده؛ نه، کارهای خیلی فراوانی شده، ما هم گزارش را داریم و درست است، لکن همیشه این را در نظر داشته باشید که نسبت کارهای انجام گرفته را با کارهای انجام نگرفته‌ای که باید انجام میگرفت، ملاحظه کنید.

در مورد قوه‌ی قضائیه بنده هر سال مفصلاً مطالعه میکردم و مفصل هم صحبت کرده‌ام. به نظر خودم همه‌ی حرفهایی که درباره‌ی قوه‌ی قضائیه باید گفته بشود و رعایت آنها توصیه بشود به قوه‌ی قضائیه، گفته شده و مکرر عرض کرده‌ایم؛ هر چه بگوییم تکراری است. دو نکته را فقط من میخواهم ذکر کنم، بعد بپردازم به یک مسئله‌ی دیگری.

نکته‌ی اول همین مسئله‌ی پیگیری قوه‌ی قضائیه در محاکم حقوقی - چه محاکم حقوقی داخلی، چه محاکم حقوقی بین‌المللی - درباره‌ی رسیدگی به این جنایات اخیری است که انجام گرفته؛ این از آن کارهای بسیار لازم و بسیار مهم است. ما در خیلی از قضایای قبلی در سالهای گذشته باید این کار را میکردیم و کوتاهی کردیم؛ این دفعه کوتاهی نکنیم. اگر پیگیری این موضوع و مراجعه‌ی به دادگاه‌های بین‌المللی و حقوقی و همچنین دادگاه‌های داخلی، بیست سال هم طول بکشد، اشکال ندارد؛ باید این کار دنبال بشود. بایستی یقه‌ی جنایت‌کار گرفته بشود. بالاخره ممکن است یک دادگاه بین‌المللی را انسان متهم کند و واقع هم همین باشد که وابسته باشد به فلان قدرت؛ خیلی خب، یک روز این جور است، یک روز هم نیست؛ یک روز هم می‌بینید یک قاضی‌ای آنجا پیدا میشود که قاضی مستقلی است. این نکته‌ی اول که این قضیه را خیلی جدی بگیرید، خیلی با قوت، با هوشیاری کامل، با ملاحظه‌ی همه‌ی جوانب، ان شاء الله ملاحظه کنید.

موضوع دوم، این است که محصول همه‌ی سفارشها به قوه‌ی قضائیه یک کلمه است، و آن اینکه مردم به قوه‌ی قضائیه اعتماد کنند؛ همین. بنده بارها در این جلسه گفته‌ام، ما باید کاری کنیم که اگر کسی در هر گوشه‌ی کشور - در یک روستا، در یک شهر دوردست - مورد تعدی و ظلم قرار گرفت، بگوید «میروم سراغ قوه‌ی قضائیه، میروم دادگستری»! یعنی باید این حالت به وجود بیاید که همه احساس کنند وقتی پایشان به دادگستری رسید، مشکلشان حل میشود؛ یک اعتماد این جور باید به وجود بیاید. این خیلی کار مشکلی است، کار سختی است. البته در اغلب

قضایای حقوقی و جزائی یک طرف راضی است، یک طرف ناراضی است؛ اما همان طرفی هم که ناراضی است، وقتی دید که کار دارد با قانون، با درستکاری، با دقت انجام میگیرد، در دلش کار را قبول دارد ولو از آنچه اتفاق افتاده راضی نباشد؛ سعی کنید این حالت پیش بیاید؛ مردم اعتماد پیدا کنند، اعتقاد پیدا کنند که قوه قضائیه [به مشکلشان] میرسد.

یکی از مهم‌ترین راه‌های رسیدن به این قضیه، مبارزه‌ی با فساد است؛ در درجه‌ی اول فساد در درون قوه – که در این زمینه من با رئیس محترم، جناب آقای محسنی مکرر صحبت کرده‌ام، ایشان هم کارهایی کرده‌اند؛ با رؤسای قبلی هم همین جور – [بعد هم] در بیرون قوه؛ مبارزه‌ی با فساد در مردم امید ایجاد میکند، اعتماد ایجاد میکند. این هم این [نکته]. این دو مطلبی که راجع به قوه قضائیه میخواستیم عرض کنیم.

و اما ملت ایران در این جنگ تحمیلی اخیر کار بزرگی انجام داد؛ این کار بزرگ از جنس عملیات نبود؛ از جنس اراده بود، از جنس عزم بود، از جنس اعتماد به نفس بود. اینکه یک ملت، یک کشور، یک نیروی نظامی در یک کشور، در خودش این اعتماد به نفس را ملاحظه کند که آماده است با قدرت آمریکا و سگ زنجیری‌اش در منطقه [یعنی] رژیم صهیونی، سینه‌به‌سینه و روبه‌رو بشود، نفس این اراده، نفس این اعتماد به نفس، یک ارزش بسیار مهمی است. یک روزی بود – هم قبل از ما، هم زمان جوانی‌های ما قبل از انقلاب – که اسم آمریکا افراد را می‌ترساند؛ چه برسد به مواجهه و مقابله با او؛ چه مقابله‌ی زبانی، چه مقابله‌ی عملی. در این خاطراتی که از طرف عوامل رژیم قبلی نوشته شده و بعد از سالها پخش شده، مکرر این هست که مسئولین بالای کشور از یک کار آمریکا ناراحت بودند – [مثلاً] سر قضیه‌ی نفت، سر قضیه‌ی مسائل گوناگون ناراحت بودند و اوقاتشان تلخ بود – اما میگفتند هیچ چیزی نگویید؛ جرئت نمی‌کردند که حتی در خفا، در جلسه‌ی خصوصی اعتراض کنند و حرف بزنند.

حالا همان ملت به اینجا رسیده که مستقیم می‌ایستند سینه به سینه‌ی این قدرت، از او نمی‌ترسد بلکه او را می‌ترساند و آنچه هم از دستش برمی‌آید، از لحاظ عملیاتی انجام میدهد که این مسئله‌ی عملیات، مطلب دوم است؛ مسئله‌ی اول همان روحیه است، همان ایستادگی است. این اراده‌ی ملی، این همت ملی، همان چیزی است که این کشور را سربلند خواهد کرد؛ این همان چیزی است که ایران را ایران بزرگی خواهد کرد که بنده گفتم پنجاه سال بعد باید این جوری باشد؛ این اراده همان عامل اصلی‌ای است که میتواند ایران را به آنجا برساند.

بنده عرض میکنم آنچه حالا همه باید بدانند – هم دوستان ما بدانند، هم دشمنان ما بدانند، هم خود ملت ایران بدانند که میدانند – این است که ملت ایران در هیچ میدانی به صورت طرف ضعیف ظاهر نخواهد شد. چون ما همه‌ی ابزارهای لازم را داریم؛ هم منطق داریم، هم نیرو داریم. ما هم در میدان دیپلماسی، هم در میدان نظامی ان شاء الله به توفیق الهی هر وقت وارد بشویم، با دست پر وارد خواهیم شد. البته جنگ، زدن و خوردن دارد؛ معلوم است. در جنگ، هم زدن هست، هم خوردن هست؛ نمیشود توقع داشت که در جنگ حادثه‌ای پیش نیاید؛ ولیکن دستان بحمدالله پر است؛ هم در زمینه‌ی دیپلماسی دستان پر است، هم در زمینه‌ی نظامی به توفیق الهی.

البته در این قضیه‌ی مهمی که پیش آمد، در این حادثه‌ی اخیر، ما از جنگ استقبال نکردیم؛ این را همه بدانند. بله، ما رژیم صهیونیستی را سرطان میدانیم، رژیم آمریکا را هم به خاطر پشتیبانی از او، جنایت‌کار میدانیم، اما ما از جنگ استقبال نکردیم، ما به پیشواز جنگ نرفتیم؛ ولی وقتی دشمن حمله کرد، پاسخ ما کوبنده بود. این را باید همه توجه داشته باشند، بدانند؛ چون این مطلب مسلمی است که دشمن میخواهد تشکیک کند در این. ما در جنگ محکم وارد شدیم؛ دلیلش هم این است، یعنی دلیل واضحش این است که رژیم صهیونیستی که طرف مقابل جنگ بود، مجبور شد به آمریکا متوسل بشود. اگر خم نشده بود، اگر به زمین نچسبیده بود، اگر احتیاج نداشت، اگر قادر بود

از خودش دفاع کند، این جور متوسل به آمریکا نمیشد. به آمریکا متوسل شد؛ یعنی دید از عهده‌ی جمهوری اسلامی برنمی‌آید. البته این مربوط به رژیم صهیونیستی است، در مورد آمریکا هم همین جور؛ آمریکا هم که حمله کرد، ضربه‌ی متقابل ما به آمریکا ضربه‌ی خیلی حساسی بود؛ حالا ان شاء الله مقداری میگذرد، چند ماه یا چند سال [بعد]، سانسورها برطرف میشود، بعد معلوم میشود ایران چه کار کرده. آن مرکزی که مورد تهاجم ایران قرار گرفت، مرکز فوق‌العاده حساس آمریکا در این منطقه بود. ضربه، ضربه‌ی بزرگی بود، البته از این بزرگ‌تر هم میتوان ضربه به آمریکا و به دیگران وارد کرد؛ ان شاء الله. خب، این حالا مربوط به عملیات و به این چیزها بود.

یک نقطه‌ی دیگر در این حادثه وجود دارد که بسیار مهم است، و آن، نقطه‌ی ملّی است؛ غیر از جنبه‌ی سازمانی و نظامی و اطلاعاتی و امنیتی و غیره، آنچه در این حادثه اتفاق افتاد، «امر ملّی» بود. آن کسانی که حمله کردند، با خودشان این جور محاسبه کرده بودند – واقعاً این جور محاسبه کرده بودند، این جزو کارهایی بود که نشسته بودند، نقشه کشیده بودند – که وقتی به ایران حمله کردیم، به مراکز حساس ایران حمله کردیم، یک تعدادی شخصیت‌ها را از دست حکومت ایران، نظام اسلامی گرفتیم، طبعاً نظام ضعیف خواهد شد، اینجا است که هسته‌های خفته‌ی منافق و سلطنت‌طلب و مزدور و اراذل و اوباش و مانند اینها، فعال خواهند شد. او با خودش این جور حساب کرد که آن کسانی که دلار میگیرند تا ماشین هم‌میهن خودشان را آتش بزنند، فعال خواهند شد. [این افراد] هستند دیگر، در جامعه وجود دارند، منتها وقتی یک دستگاه قدرتمندانه مشغول کار است، اینها خاموشند؛ وقتی به خیال طرف مقابل، دستگاه ضعیف شد، اینها فعال میشوند و می‌آیند وسط جامعه، مردم را تحریک میکنند و تا آنجایی که بتوانند افراد را میکشانند به خیابانها و خلاصه مسئله‌ی نظام را تمام میکنند و حل میکنند. این خواب خوشی بود که این حضرات دیده بودند.

واقعیت چه شد؟ واقعیت عکس این شد، درست نقطه‌ی مقابل این شد؛ حمله‌ی دشمن نشان داد که خیلی از محاسباتی که بعضی‌ها، چه در زمینه‌های سیاسی و امثال اینها انجام میدهند، محاسبات درستی نیست. چهره‌ی دشمن آشکار شد، هدفهای پنهان دشمن که هیچ وقت نمیگذارند در اظهاراتشان ظاهر بشود، تا حدود زیادی روشن شد؛ هشت ماه، نه ماه، می‌نشینند نقشه میکشند برای یک اقدام، برای یک حرکت نظامی، و افراد خیال میکنند که نه، خبری نیست و چیزی نیست؛ آحاد مردم فهمیدند این جور نیست. خداوند نقشه‌ی آنها را باطل کرد، این نقشه را خدای متعال باطل کرد؛ مردم را به پشتیبانی دولت، به پشتیبانی نظام وارد میدان کرد. مردم وارد میدان شدند اما درست در نقطه‌ی مقابل آن جهتی که دشمن محاسبه کرده بود و نقشه کشیده بود؛ در جهت حمایت از نظام، در جهت پشتیبانی جانی و مالی. در تلویزیون، اظهارات افراد مختلف را مشاهده کردید دیگر، که با ظاهرهای گوناگون، چهره‌های گوناگون، لباسهای گوناگون که هیچ به نظر هم نمی‌آید اینها حاضر باشند این جور فداکارانه حرف بزنند؛ البته حرف با عمل فاصله دارد اما خود نقس حرف زدن، آن انگیزه‌ای که موجب میشود انسان حرف بزند، وجود دارد؛ این خیلی مهم است. کسی باور نمیکرد و شد و اتفاق افتاد. این افراد، همه با جهت‌گیری‌های سیاسی گوناگون، با جهت‌گیری‌های سیاسی گاهی متقابل، با وزن مذهبی کاملاً متفاوت، در کنار هم ایستادند و این وحدت بزرگ را، این اتحاد عظیم ملّی را به وجود آوردند.

حرف من این است که این را حفظ کنید؛ همه این را نگه دارند؛ روزنامه‌نگار یک جور، قاضی یک جور، مسئول دولتی یک جور، روحانی یک جور، امام جمعه یک جور. هر کسی یک وظیفه‌ای دارد در قبال این حالت؛ این را نگه دارند. این با اختلاف سلیقه‌ی سیاسی منافات ندارد، با اختلاف وزن مذهبی منافات ندارد. این، در کنار هم ایستادن برای دفاع از یک حقیقت است؛ دفاع از کشور است، دفاع از نظام است، دفاع از ایران عزیز است.

البته یک کارهایی لازم است، یک کارهای مضر است. «تبیین» لازم است؛ رفع مغالطه‌هایی که گاهی انجام میگیرد

لازم است ؛ اما ایرادهای غیر لازم را به میان کشیدن و درباره‌اش بحث کردن و بر روی مسائل کوچک جنجال کردن، مضر است ؛ اینها با هم فرق دارد. همان ابطال مغالطه‌ای هم که عرض کردیم، آن را هم با انواع مختلفی میشود انجام داد ؛ با آن بهترین شکلش باید آن را انجام بدهند که مشکلی برای کشور به وجود نیاید.

وفاداری به نظام در زبان، در اظهار، چیز لازم و مفیدی است ؛ هم لازم است، هم مفید است. یا همه، سیاستهای کلی نظام را در همین زمینه‌ی مورد بحث تأیید کنند و حمایت کنند و مورد قبول قرار بدهند، این لازم است اما اینکه یک اختلاف‌نظرهایی که وجود دارد بین افراد، اینها را غلیظ کنند که این مال فلان جناح است، این مال فلان جناح است، این حرفش این جوری است، نه، این مضر است. بنابراین یک کار، لازم است، یک کار، مضر است ؛ ما اینها را از همدیگر باید تفکیک کنیم.

شور و هیجان عمومی مردم لازم است. امروز ملت ایران یک شور و هیجانی دارد، بخصوص جوانها شور و هیجان دارند ؛ این چیز خیلی خوبی است، این چیز خیلی لازمی است، اما بی‌صبری مضر است. اینکه بی‌صبری کنند، دائم پا به زمین بکوبند که آقا چرا نشد، چرا نکردید، چرا اقدام نشد و مانند اینها، این مضر است. یعنی بدانیم که کدام کار، کار درستی است، کدام کار، کار مضری است. بنابراین، اینها مطالب و توصیه‌هایی است که من عرض میکنم.

آخرین توصیه‌ای که من میخواهم عرض بکنم، این است که دستگاه‌های مسئول که امروز بحمدالله مشغول کار هستند، چه دستگاه‌های مسئول در عرصه‌ی نظامی، چه دستگاه‌های مسئول در عرصه‌ی دیپلماسی – هر دو – که به شکل درست و با جهت‌گیری درست، هر دو لازم است، بایستی با قوت کار خودشان را انجام بدهند، منتها جهت‌گیری‌ها را توجه کنند. بخصوص در عرصه‌ی دیپلماسی جهت‌گیری خیلی مهم است ؛ جهت‌گیری‌ها کاملاً مراعات بشود، دقت بشود، کار بشود و انجام بگیرد ان شاءالله.

ممکن است کسی در یک قضیه‌ی مربوط به نظامی یا دیپلماسی یا غیره به یک مسئولی اعتراض داشته باشد، ما نمیگوییم اعتراض را نگویند ؛ چرا، منتها اولاً لحنی که برای بیان اعتراض و بیان انتقاد انتخاب میشود لحن قابل قبولی باشد ؛ ثانیاً بعد از تحقیق باشد، بعد از اطلاع‌یابی باشد. گاهی اوقات در روزنامه‌ها و بعضی جاهای دیگر، یک چیزهایی را من میبینم، بعضی یک حرفهایی میزنند، اعتراضهایی میکنند که ناشی از بی‌اطلاعی است، نمیدانند چه کار انجام گرفته یا چه کار باید انجام میگرفته و نشده و مثلاً [باید] انجام بگیرد ؛ ناشی از بی‌اطلاعی است. اطلاع درست به دست بیاورند و با لحن مناسب نظراتشان را ابراز کنند. آن مسئولین هم با قوت تمام، با روحیه‌ی کامل ان شاءالله به کارهای خودشان ادامه بدهند. و همه‌وهمه بدانند که [طبق] همین آیه‌ای که این آقا (۲) الان تلاوت کردند: لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ، (۳) خدای متعال نصرت را برای ملت ایران در ذیل نظام اسلامی و زیر چتر قرآن و اسلام تضمین کرده که ملت ایران حتماً پیروز خواهد شد.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

۱ در ابتدای این دیدار، حجت‌الاسلام غلامحسین محسنی اژه‌ای (رئیس قوه‌ی قضائیه) گزارشی ارائه کرد.

۲ آقای علیرضا سبحانی

۳ سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۴۰